



بازنمایی نحوی افعال «خواستن» و «توانستن»

رضوان متولیان نائینی^۱

چکیده

مقاله حاضر در پی بازنمایی ساخت موضوعی افعال «خواستن» و «توانستن» در زبان فارسی است. از آنجا که بر سر وجهی بودن این افعال به علت تصریف‌پذیر بودن آنها، بین زبان‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد، ابتدا قصد داریم با استفاده از طبقه‌بندی معنایی و صورتی افعال وجهی در مورد وجهی بودن این افعال تصمیم مناسبی اتخاذ کنیم. سپس به دنبال آن هستیم که با در نظر گرفتن رفتار نحوی - معنایی این افعال، در خصوص کنترلی یا ارتقایی بودن آنها به نتیجه برسیم و پس از آن فرضیات موجود در این زمینه را که تمایز نحوی این افعال را ناشی از ویژگی معرفتی و غیرمعرفتی یا مشارک درونی و برونی بودن آنها می‌دانند با داده‌های زبان فارسی محک می‌زنیم. در این راستا ادعاهای قبلی مبنی بر معرفتی بودن افعال وجهی گزاره‌ای و ارتقایی بودن مشارک‌برونی‌ها را با استفاده از داده‌های زبان فارسی به چالش می‌کشیم و در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که در زبان فارسی افعال وجهی + گزاره‌ای چه معرفتی باشند چه غیرمعرفتی و چه + درونی باشند و چه - درونی ارتقایی و افعال وجهی - گزاره‌ای کنترلی هستند.

کلیدواژه‌ها: افعال وجهی فرعی، خواستن، توانستن، معرفتی، بنیادی، ارتقایی، کنترلی

۱- مقدمه

وجهیت به‌طور کلی نشان‌دهنده دیدگاه گوینده نسبت به گزاره‌ای است که بیان می‌شود. از نظر معنایی، در بسیاری از زبان‌های دنیا افعال وجهی دارای ارزش دوتایی هستند. به‌طوری‌که افعال وجهی به صورت بارز یا دارای خوانش معرفتی (epistemic) هستند یا خوانش بنیادی (root) (یا همان غیرمعرفتی -non-epistemic). وجهیت معرفتی ارزیابی گوینده در مورد احتمال وقوع یا قابلیت پیش‌بینی عملی را نشان می‌دهد (هالیدی، ۱۹۷۰: ۳۴۹) و بیانگر تعهد گوینده نسبت به وضعیت گزاره موجود (پالمر، ۱۹۸۶: ۵۴-۵۵) است. در مقایسه با خوانش معرفتی، خوانش بنیادی برای دلالت به نوعی رابطه اجتماعی پیچیده مانند اجبار (obligation)، اجازه (permission) و توانایی (ability) به‌کار می‌رود. این نوع افعال بر لزوم وقوع (اجبار) و امکان وقوع رخدادی (اجازه) و حتی توانایی یا قصد و اراده (volition) شخص برای وقوع کنش و یا ایجاد حالتی از امور دلالت دارند. در طبقه‌بندی جزئی‌تر وجهیت بنیادی دو زیر مجموعه تکلیفی (deontic) و پویا (dynamic) را در برمی‌گیرد. در نوع تکلیفی یک قدرت بیرونی مانند فرد خاص، هنجارهای اجتماعی یا مجموعه قوانین شخص مخاطب یا سوم شخص دیگری را برای انجام کنش تحت اجبار قرار می‌دهد یا به او اجازه انجام‌دادن آن کار را می‌دهد. در مقابل در وجهیت بنیادی غیرتکلیفی یا پویا نیروی بالقوه درونی یا شرایط موجود، لزوم یا احتمال وقوع کنشی را توسط شخص فراهم می‌کند، بنابراین عناصر وجهی که بر توانایی و قصد و اراده فرد دلالت دارند نیز در این دسته قرار می‌گیرند.^۱

یکی از راهکارهای بیان وجهیت، بکارگیری افعال وجهی است و در مقاله حاضر هدف ما بازنمایی ساخت موضوعی این گونه افعال است. از بین افعال وجهی، بازنمایی نحوی افعال وجهی اصلی (بایستن و شدن) قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است (متولیان، ۱۳۹۵). در این راستا سه فرضیه مطرح شده است: ۱. افعال وجهی معرفتی ارتقایی و افعال وجهی بنیادی، اعم از تکلیفی و پویا، کنترلی هستند؛ ۲. افعال وجهی معرفتی و همچنین بنیادی از نوع تکلیفی غیرمستقیم که مشارک برونی هستند ارتقایی و افعال وجهی بنیادی پویا و تکلیفی مستقیم که مشارک درونی هستند کنترلی به‌شمار می‌روند؛ ۳. تمامی انواع افعال وجهی ارتقایی هستند. در مقاله مورد نظر این سه فرضیه رد شده و در نهایت نشان داده شده از آنجا که در زبان فارسی، افعال وجهی اصلی (شدن و بایستن) گزاره‌ای هستند، در هر دو خوانش معرفتی و غیرمعرفتی (بنیادی و تکلیفی) خود، ساختار ارتقایی را تشکیل می‌دهند. حال در مقاله حاضر تلاش ما بر این است که رفتار افعال وجهی فرعی «توانستن» و «خواستن» را با فرضیات مطرح شده محک بزنیم و در مورد ارتقایی یا کنترلی بودن این افعال نیز تصمیم مناسبی اتخاذ کنیم.

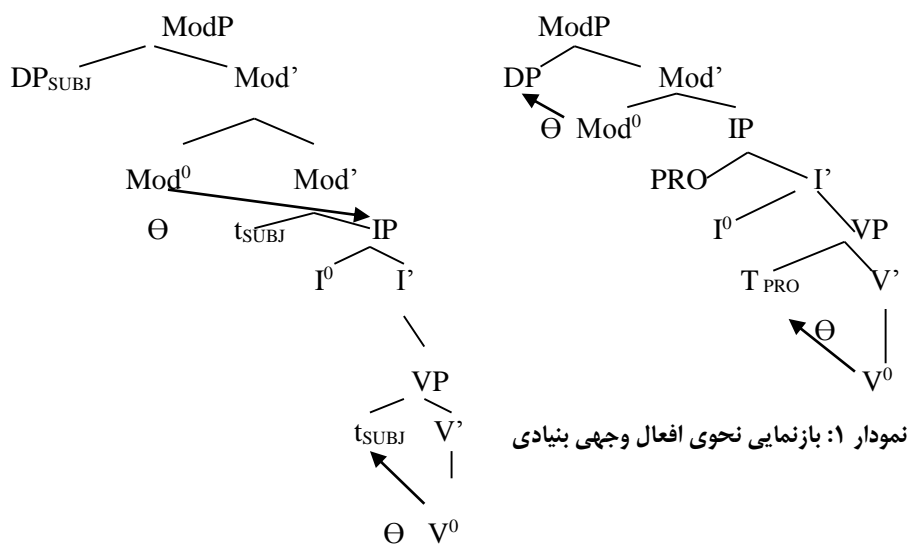
در مقاله حاضر پس از اشاره مختصر به دیدگاه‌های مختلف در زمینه کنترلی یا ارتقایی بودن افعال وجهی، به‌طور کوتاه به طبقه‌بندی صورتی این نوع افعال می‌پردازیم. سپس به تفاوت نظر زبان‌شناسان در مورد وجهی

۱. برای اطلاعات بیشتر از طبقه‌بندی معنایی وجهیت مراجعه شود به Van der Auwera & Plungian, 1998: 8; Huddleston & et-al, 2002: 17; Bybee & Fleischman, 1995: 6; Palmer, 1986: 54-55; Halliday, 1970: 349)

بودن افعال «خواستن» و «توانستن» اشاره می‌کنیم و سعی می‌کنیم با ارائه دلایلی در مورد این موضوع به نتیجه برسیم. در نهایت می‌کوشیم با ارائه معیارها و آزمون‌های مختلف، در زمینه کنترلی یا ارتقایی بودن افعال وجهی «خواستن» و «توانستن» در زبان فارسی، تصمیم مناسبی بگیریم.

۲- مبانی نظری

در پاسخ به این سؤال که آیا تفاوت معنایی فعل وجهی از تمایز ساختار نحوی آنها نشأت گرفته یا نه، دو دیدگاه اصلی متقارن و نامتقارن در مورد کنترلی یا ارتقایی بودن افعال وجهی معرفتی و غیرمعرفتی مطرح می‌شود. برخی از زبان‌شناسان (ورمبند، ۱۹۹۹؛ ورمبند و بابلک، ۱۹۹۹ و باریرز، ۲۰۰۶) تحلیلی متقارن نسبت به این مسئله اتخاذ می‌کنند و تمامی افعال وجهی را به‌عنوان افعال ارتقایی محسوب می‌کنند. در مقابل بر اساس تحلیل تقابلی افعال وجهی که پیشینه آن به راس (۱۹۶۹) و جکنداف (۱۹۷۲) بر می‌گردد، افعال وجهی معرفتی ارتقایی و افعال وجهی بنیادی کنترلی محسوب می‌شوند. در این مطالعات افعال وجهی بنیادی متعدی و فعلی دو ظرفیتی و افعال وجهی معرفتی لازم و تک ظرفیتی در نظر گرفته می‌شوند که این امر سبب شده دو نوع بازنمایی نحوی برای این افعال در نظر گرفته شود. نمودارهای زیر به ترتیب بازنمایی نحوی افعال وجهی بنیادی و معرفتی را براساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی نشان می‌دهد.



نمودار ۱: بازنمایی نحوی افعال وجهی بنیادی

نمودار ۲: بازنمایی نحوی افعال وجهی معرفتی

طبق نمودارهای فوق، افعال وجهی معرفتی با فاعل نحوی خود رابطه معنایی ندارند. حال آنکه افعال وجهی بنیادی به فاعل خود نقش معنایی اعطا می‌کنند. براساس تحلیل فوق اگر بخواهیم افعال وجهی

بنیادی را دو ظرفیتی محسوب کنیم، انتظار می‌رود آنها را فاقد خوانش گزاره محور بدانیم. حال آنکه همان‌طور که در بخش‌های بعدی نشان داده می‌شود داده‌های زبان فارسی حاکی از آن است که افعال وجهی بنیادی این قابلیت را دارند که دارای خوانش گزاره‌ای باشند به این معنی که حوزه‌ای وسیع‌تر از گزاره بیان شده در جمله را داشته باشند.

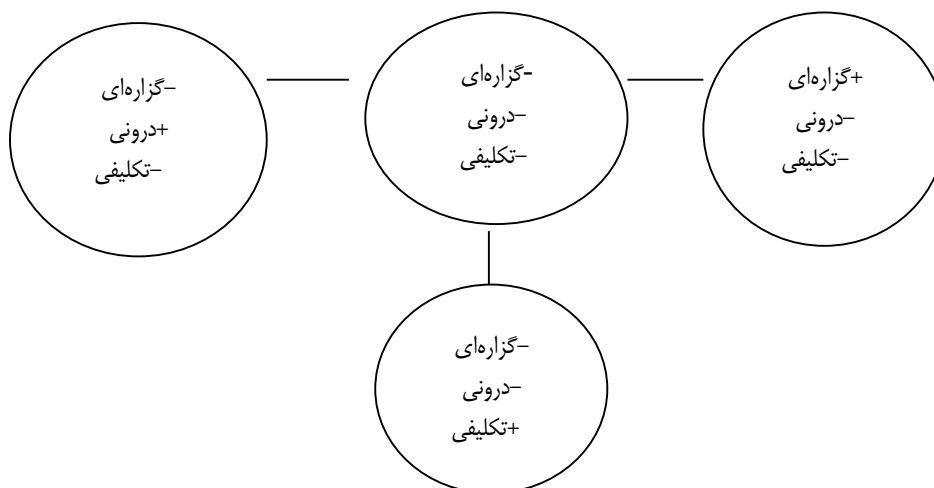
رفتار دوگانهٔ افعالی که دارای وجهیت تکلیفی هستند، برخی از زبان‌شناسان مانند (ون در اورا و پلونگین ۱۹۹۸؛ چپر و زووارتس^۱، ۲۰۰۹) را بر آن داشته است تا طبقه‌بندی معنایی دیگری از وجهیت ارائه دهند. در طرح کلی معنایی از وجهیت، ون در اورا و پلونگین (۱۹۹۸) ویژگی \pm گزاره‌ای را برای نشان دادن تمایز بین افعال وجهی معرفتی و غیرمعرفتی به کار می‌گیرند. آنها در دسته‌بندی کلی همهٔ افعال معرفتی را \pm گزاره‌ای و افعال وجهی غیرمعرفتی را دارای ویژگی - گزاره‌ای می‌دانند. آنها همچنین از ویژگی \pm درونی برای تمایز گذاشتن بین افعال وجهی درونی و غیردرونی بهره می‌جویند. از نظر ون در اورا و پلونگین (۱۹۹۸) افعال وجهی معرفتی نه مشارک درونی هستند و نه مشارک برونی. در حالی که افعال وجهی غیرمعرفتی می‌توانند مشارک درونی یا مشارک برونی باشند. بنابراین در واقع افعال وجهی مشارک برونی و افعال وجهی معرفتی در ویژگی - درونی مشترک هستند، زیرا امکان یا الزام آنها ربطی به مشارک دخیل در انجام امور ندارد. آنها نتیجه می‌گیرند هر چند افعال وجهی غیرمعرفتی در دو دستهٔ \pm درونی و - درونی قرار می‌گیرند، وجهیت \pm گزاره‌ای هرگز نمی‌تواند \pm درونی باشد زیرا افعال وجهی نمی‌توانند همزمان بر سطح گزاره به صورت کلی عمل کنند و هم بر سطح مشارک درونی دخیل در انجام امور اعمال شوند. از سوی دیگر طبق نظر ون در اورا و پلونگین (۱۹۹۸) تکلیفی‌ها صرفاً مشارک برونی هستند.

جدول ۱: طرح کلی معنایی وجهیت به غیر از وجهیت تکلیفی

\pm گزاره‌ای	- گزاره‌ای	
	مشارک درونی	\pm درونی
افعال وجهی معرفتی	مشارک برونی	- درونی

به دلیل رفتار دوگانهٔ افعالی که دارای وجهیت تکلیفی هستند، چپر و زووارتس (۲۰۰۹) تحت عنوان هندسهٔ وجهیت طبقه‌بندی معنایی دیگری از وجهیت را ارائه کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی جدید، سه ملاک در نظر گرفته می‌شود: ملاک \pm گزاره‌ای، \pm درونی و \pm تکلیفی. در این رویکرد، تفاوت تکلیفی مستقیم و غیرمستقیم توسط دو مشخصهٔ \pm [درونی] و \pm [درونی] نشان داده می‌شود. در تکلیفی مستقیم، مشارک در انجام کنش به صورت مستقیم درگیر است و از فعل وجهی نقش معنایی می‌گیرد و بنابراین، ساخت کنترلی را تشکیل

می‌دهد. در تکلیفی غیرمستقیم که فاعل جمله به صورت غیرمستقیم و از طریق عامل تلویحی در انجام کنش حضور دارد و بنابراین از فعل وجهی نقش معنایی نمی‌گیرد، با ساخت ارتقایی سروکار داریم.



نمودار ۲: هندسه وجهیت (شامل افعال وجهی تکلیفی)

طبقه‌بندی صوری افعال وجهی

به طور سنتی افعال وجهی را به دو گروه عمده وجهی اصلی (central modal) و فرعی (peripheral modal) تقسیم می‌کنند. البته در دهه اخیر طبقه جدیدی به نام شبه وجهی (quasi modal) نیز به آنها افزوده شده است (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به کورک و همکاران، ۱۹۸۵: ۱۳۶-۱۴۸، بایبر و همکاران، ۱۹۹۹: ۴۸۳-۴۸۶، هادلستون ۱۹۷۴، ۱۱۴ و دپراتر و رید ۲۰۰۶: ۲۷۲-۲۷۳).

افعال وجهی اصلی صورت‌های تصریف‌ناپذیر را در بر می‌گیرند که معنای وجهیت را بیان می‌کنند. در زبان انگلیسی افعالی همانند can, could, may, might, must, ... در این گروه قرار می‌گیرند و در زبان فارسی فعل‌های «باید و شدن» افعالی هستند که در این دسته قرار می‌گیرند.

در این طبقه‌بندی افعال ساده‌ای که علی‌رغم در برداشتن مفهوم وجهیت تصریف‌پذیرند، افعال وجهی حاشیه‌ای یا فرعی را تشکیل می‌دهند. در زبان انگلیسی فعل‌های "dare, ought, need, ..." و در زبان فارسی افعالی مانند «توانستن» و فعل غیرمعین «خواستن» در این گروه قرار می‌گیرند. این افعال برخلاف فعل‌های گروه قبل می‌توانند از نظر شخص و شمار تصریف گردند و همچنین صورت مصدری آنها نیز کارایی دارد.

دسته سوم افعال شبه وجهی نام می‌گیرند که با وجود اینکه حاوی مفهوم وجهیت هستند، غالباً صورت ترکیبی دارند. در زبان انگلیسی افعال "have to"، "be able to"، و "be going to" و در زبان فارسی افعالی مانند «احتمال داشتن»، اجازه داشتن «احتیاج داشتن» در این دسته قرار می‌گیرند.

۳- مطالعات پیشین

در خصوص وجهیت در زبان فارسی از دیدگاه نحوی (باطنی، ۱۳۵۴؛ غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۴ و مشکوٰة - الدینی ۱۳۷۹) و نحوی - معنایی (طالقانی، ۲۰۰۸؛ توانگر و عموزاده، ۲۰۰۹؛ کریمی‌دوستان و ایلخانی - پور، ۱۳۹۱؛ اخلاقی، ۱۳۸۶؛ عموزاده و رضایی، ۱۳۸۹؛ عموزاده و شاه‌ناصری، ۱۳۹۰؛ رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲) مطالعات متعددی صورت گرفته است، با این وجود برای تشخیص ارتقایی یا کنترلی بودن افعال وجهی در زبان فارسی کار چندانی انجام نشده است و تنها می‌توان در این زمینه به طالقانی (۲۰۰۸) اشاره کرد که در این بخش، به نقد و بررسی آن و ارائه ملاک‌های معنایی - نحوی مستدل برای تمایز نحوی افعال وجهی از این جنبه می‌پردازیم.

طالقانی (۲۰۰۸) همسو با دیدگاه تقابلی، افعال وجهی بنیادی را در زبان فارسی کنترلی و افعال وجهی معرفتی را شبه ارتقایی می‌داند. به نظر وی افعال وجهی و شبه‌وجهی بنیادی از قبیل توانستن، مجبور بودن، اجازه داشتن، احتیاج داشتن به فاعل روساختی خود نقش معنایی و حالت می‌دهند. اما فاعل روساختی محمول وجهی معرفتی در اصل در جایگاه فاعلی بند درونه ادغام می‌شود و مشخصه‌های شخص و شمار و حالت خود را با فعل بند درونه بازمینی می‌کند و سپس به صورت اختیاری و طی فرایند میتداسازی به بند بالاتر حرکت می‌کند. از نظر وی افعال وجهی «باید» و «شاید» ساختاری شبه ارتقایی دارند. در مورد فعل «لازم بودن» وی این فعل را دارای رفتاری مبهم می‌داند چرا که از یک طرف محدودیت‌گزینی بر فاعلش اعمال می‌کند (جملات ۱) و از این‌رو باید کنترلی در نظر گرفته شود و از سوی دیگر فاقد موضوع بیرونی است و باید آن را ساختی شبه‌ارتقایی در نظر گرفت. در نهایت وی این فعل شبه وجهی را در دسته کنترل معنایی (اجباری) قرار می‌دهد.

۱. الف. بیسکویت‌ها لازمه تموم شده باشد. ب. سارا لازمه که به کنفرانس بره.

وی به چندین تمایز نحوی افعال وجهی معرفتی و بنیادی اشاره می‌کند که به شرح زیر است:

الف. افعال وجهی معرفتی با التزامی کامل و حال و افعال غیرمعرفتی تنها با التزامی حال سازگار است. در حقیقت افعال وجهی بنیادی به‌عنوان افعال کنترلی با وجه کامل به کار نمی‌رود.

ب. افعال وجهی بنیادی فقط با متمم کنشی و افعال معرفتی هم با متمم کنشی و هم ایستا کاربرد دارد.

ج. افعال وجهی معرفتی با محمول مجهول سازگار است اما افعال بنیادی با محمول مجهول به کار نمی‌رود.

۲. الف. بیسکویت‌ها می‌تونه تموم شده باشد. ب. بیسکویت‌ها احتیاج داره تموم شده باشد.

اینک به بررسی و نقد نظرات فوق می‌پردازیم. نخست در خصوص عدم وجود ساخت ارتقایی در زبان فارسی قابل ذکر است علاوه بر زبان فارسی در زبان‌های ضمیرانداز ثابت دیگر نیز حتی افعال اصلی ارتقایی فاقد تصریف یا به عبارتی دارای تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد هستند و این عدم تطابق نمی‌تواند دال بر مبتداسازی فاعل بند درونه به بند بالاتر و شبه‌ارتقایی بودن این ساخت‌ها باشد (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به درزی، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶). در خصوص فعل «لازم بودن» که طالقانی آن را کنترل معنایی می‌داند لازم به ذکر است این فعل شبه وجهی بر فاعل خود محدودیت‌گزینشی اعمال نمی‌کند چرا که در واقع فاعل روساختی، موضوع بیرونی محمول بند درونه است. بنابراین چنانچه فاعل روساختی محدودیت‌گزینشی محمول بند درونه را رعایت کرده باشد، چه جاندار باشد چه غیرجاندار، می‌تواند در جایگاه فاعلی این فعل شبه وجهی به کار رود:

۳. الف. این پایان‌نامه لازمه تا آخر ماه تموم بشه. ب. تو لازمه تا آخر ماه این پایان‌نامه را تموم کنی. در مورد مثال (۱ الف) قابل ذکر است که طبق شم زبانی نگارنده، حتی همین جمله نیز در بافت خاصی می‌تواند کاملاً درست باشد. مثلاً هنگامی که کودکان از مادرشان می‌خواهند جعبه بیسکویت جدیدی بخرد و وی در پاسخ این تقاضا جمله زیر را به کودکان می‌گوید:

۴. اگر بیسکویت می‌خواهید لازمه این جعبه بیسکویت تموم بشه.

بنابراین با توجه به استدلال فوق (و محک زدن آن با ملاک‌هایی که در قسمت بعدی ارائه می‌شود) فعل شبه وجهی لازم بودن ارتقایی است. درباره «شاید» همان‌طور که در مباحث بعدی بیشتر به آن می‌پردازیم، در زبان فارسی امروزی بیشتر به‌عنوان قید کاربرد دارد تا فعل وجهی. در خصوص فعل «باید» نیز تحلیل طالقانی (۲۰۰۸) با نظر اولیه‌اش مبنی بر اینکه افعال وجهی معرفتی شبه ارتقایی و افعال وجهی بنیادی کنترلی هستند تناقض دارد؛ چرا که این فعل در هر دو خوانش معرفتی و بنیادیش ارتقایی فرض شده است و همان‌طور که خود نیز اشاره کرده است این موضوع استثنائی بر فرضیه اتخاذ شده وی است.

در مورد عدم باهمایی افعال بنیادی با وجه کامل باید گفت هر چند غالباً این نوع افعال با التزامی حال به کار می‌روند اما به راحتی می‌توان مواردی یافت که بند متممی این افعال دارای وجه التزامی کامل باشند. البته همان‌طور که مثال زیر نشان می‌دهد حتی در صورت بکارگیری وجه کامل، همچنان مفهوم آینده از این گزاره برداشت می‌شود:

۵. تا من می‌آیم باید خانه را جارو کرده باشی.

درباره اینکه افعال بنیادی تنها با متمم کنشی به کار می‌رود، مثال‌های زیر نشان می‌دهد فعل وجهی بنیادی نیز می‌تواند بند متممی ایستای شرایط محور^۱ داشته باشد و تنها باهمایی فعل بنیادی با متمم ایستای واقعی امکان‌پذیر نیست. در مثال (۶ب)، باهمایی فعل بنیادی «توانستن» با بند متممی ایستای واقعی منجر

۱. در بند متمم ایستای شرایط محور شرایط فراهم آوردن حالت توسط فرد امکان‌پذیر است.

به بدساختی جمله گردیده است چرا که بزرگتر شدن از کنترل فرد خارج است، در مقابل جمله (۶ الف) کاملاً خوش ساخت است زیرا فراهم آوردن محیط شاد توسط فرد امکان‌پذیر است.

۶ الف. تو می‌توانی همیشه شاد باشی (تو می‌توانی شرایطی فراهم کنی که همواره شاد باشی)

ب. *تو می‌توانی چندسال بزرگتر شوی (متمم ایستای واقعی)

در خصوص عدم باهمایی محمول بنیادی با بند متممی مجهول، قابل ذکر است که همانند افعال معرفتی، این امکان در مورد برخی از افعال بنیادی نیز وجود دارد، اما در این صورت مجهول‌سازی بند متممی منجر به تغییر معنا می‌گردد در حالی که در افعال معرفتی خوانش تغییر نمی‌کند.

۷ الف. این دکتر می‌تواند علی را معاینه کند. ب. علی می‌تواند توسط این دکتر معاینه شود.

در مثال فوق فعل بنیادی «توانستن» با بند متممی مجهول به کار رفته است و جمله همچنان خوش ساخت است. اما مفهوم دو جمله فوق متفاوت است به طوری که در مثال اول برداشت شنونده این خواهد بود که اجازه به دکتر داده شده و در مثال دوم اجازه به علی داده شده است.

در مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا در زبان فارسی، می‌توانیم طبق گفته طالقانی (۲۰۰۸)، تمایز معنایی افعال وجهی معرفتی و بنیادی را با ارتقایی یا کنترلی بودن آنها مرتبط بدانیم یا نه.

۴- افعال وجهی در زبان فارسی

نخست در مورد افعالی که در زمره افعال وجهی قرار می‌گیرند قابل ذکر است که هر چند دستورنویسان و زبان‌شناسان فارسی‌زبان در خصوص «بایستن» و «شدن» متفق‌القولند، اما درباره افعال «توانستن» و «خواستن» و «شاید» اتفاق نظر وجود ندارد. در خصوص «شاید»، همان‌طور که اشاره شد برخی زبان‌شناسان (از جمله طالقانی ۲۰۰۸) آن را فعل وجهی ناقص دانسته‌اند، حال آنکه امروزه اکثر زبان‌شناسان (باطنی، ۱۳۸۴: ۲۴۰ و به پیروی از وی طبیب‌زاده، ۱۳۸۵) معتقدند طبق شواهدی در فارسی معاصر «شاید» به قید تبدیل شده است. از جمله این شواهد این است که برخلاف «بایستن» و «شدن» که در مفهوم غیرشخصی کاربرد دارد «شاید» در چنین مفهومی به کار نمی‌رود (۳۳ ج).

۸ الف. باید همه چیز را گذاشت و رفت. ب. میشه او را شناخت. ج. *شاید او را شناخت.

از طرف دیگر برخلاف افعال وجهی ناقص «باید» و «شدن»، صورت منفی «شاید» در زبان فارسی معاصر کاربرد ندارد.

۹ الف. نباید اینقدر تنبلی کنی. ب. *نشاید به آنجا رود.

در مورد «توانستن» رحیمیان (۱۳۸۱) تنها صورت بدون تصریف «توان» و «می‌توان» را وجهی می‌داند. البته وی در مقاله مشترک خود با عموزاده (۱۳۹۲) به تبعیت از توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) صورت تصریف شده این فعل را نیز فعل وجهی محسوب می‌کند. در مقاله حاضر با ارائه معیارهایی نشان داده می‌شود هر چند فعل «توانستن» با توجه به طبقه‌بندی صوری افعال وجهی به علت تصریف‌پذیر بودن در زمره افعال وجهی اصلی قرار نمی‌گیرد، می‌توان آن را نوعی فعل وجهی فرعی محسوب کرد.

در خصوص فعل «خواستن» نیز برخی زبان‌شناسان (رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲) تنها صورت کمکی آن در زمان آینده را وجهی می‌دانند. برخی دیگر نیز به‌طور کلی هیچ صورتی از فعل «خواستن» را وجهی نمی‌دانند و صورت به‌کار رفته در زمان آینده را نیز صرفاً فعل معین می‌دانند و آن را در دسته جداگانه‌ای از افعال وجهی قرار می‌دهند (غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۴). در مقابل واحدی لنگرودی (۲۰۰۲) سعی می‌کند تحلیل نحوی واحدی از فعل «خواستن» در سه کاربرد متفاوتش (قصد یا آرزوی فاعل یا عامل برای صاحب شدن، اراده و تمایل فاعل بند پایه برای برقراری گزاره و به‌عنوان فعل کمکی برای آینده ساده) ارائه دهد. وی معتقد است هر سه نوع فعل «خواستن» فعل اصلی وجهی است نه فعل کمکی. در حقیقت وی به تبعیت از لاینز کاربرد سوم فعل «خواستن» برای مفهوم آینده را دستور شدگی همان صورت واژگانی «خواستن» می‌داند. در زیر با در نظر گرفتن ویژگی‌های صوری و معنایی فعل «خواستن» دسته‌بندی متفاوتی از این فعل ارائه می‌گردد و نشان داده می‌شود هرچند ممکن است «خواستن» در مفهوم زمان آینده طی فرایند دستور شدگی از فعل اصلی نشأت گرفته باشد، در فارسی معاصر کاملاً ویژگی‌های فعل کمکی یا معین را داراست و این ویژگی‌ها آن را از انواع دیگر فعل «خواستن» متمایز می‌کند.

تفاوت ظاهری ساختاری و تفاوت رفتار نحوی در بکارگیری فعل «خواستن» در مفاهیم مختلف آن در زبان فارسی مشهود است:

الف. گاهی فعل «خواستن» به‌عنوان فعل متعدی به همراه مفعول مستقیم با مقوله گروه اسمی به‌کار می‌رود که در این صورت بر قصد یا آرزوی فاعل برای صاحب شدن چیزی یا طلب کردن چیزی از کسی دلالت دارد. فعل «خواستن» در این مفهوم فعل اصلی وجهی و دارای سه موضوع فاعل، متمم حرف اضافه‌ای (به صورت اختیاری) و گروه اسمی است:

۱۰. الف. او این خانه را می‌خواهد. ب. او از همسرش حقش را می‌خواهد.

ب. در مواردی فعل «خواستن» به همراه بند متممی به‌کار می‌رود. در این وضعیت گاه فعل «خواستن» فاقد تصریف شخص و شمار است، اما فعل اصلی همراه آن تصریف می‌شود. همان‌طور که در بخش بعدی نشان داده می‌شود در این حالت فعل «خواستن» ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهد. فعل «خواستن» در مفهوم قرار بودن از این نوع است:

۱۱. الف. می‌خواهد وضعیت خوب بشود. ب. این توپ نمی‌خواهد گل شود.

همچنین این فعل در مفهوم لازم بودن فاقد تصریف شخص و شمار است. غالباً این فعل به شکل منفی یا در جملات سؤالی به‌کار می‌رود:

۱۲. نمی‌خواهد به آنها چیزی بگویی. (لازم نیست به آنها چیزی بگویی)

گاه فعل «خواستن» و فعل اصلی همراه آن هر دو تصریف می‌شوند در این مورد فعل «خواستن» همچنان به همراه بند متممی به‌کار می‌رود. فعل «خواستن» در مفهوم تقاضا کردن دارای سه موضوع فاعل، متمم حرف اضافه‌ای و بند متمم‌نما است که در این صورت ساخت کنترلی مفعولی یا فاعلی را تشکیل می‌دهد:

۱۳. علی از حسن ز خواست که $z/$ امشب را اینجا بماند.

«خواستن» در مفهوم «اراده کردن، قصد داشتن و تمایل داشتن» نیز کاربرد دارد. در این استفاده فاعل بند پایه اراده می‌کند که وضعیت بیان شده در بند پیرو پیش آید. سازگاری فعل «خواستن» در این مفهوم با فاعل آشکار در جایگاه فاعلی بند متممی با پدیده ساخت افزایی قابل تبیین است. در واقع به‌عنوان نمونه کسی نمی‌تواند اراده کند که شخص دیگری کاری را انجام دهد مگر آنکه پدیده ساخت افزایی رخ دهد و معنای ضمنی «فراهم‌آوری شرایط» در میان باشد. همان‌طور که در بخش بعدی اشاره می‌شود عدم باهمایی این فعل با بند متممی ایستای واقعی بیانگر کنترلی بودن این فعل است و بنابراین فعل «خواستن» در این مفهوم ساخت کنترل فاعلی را تشکیل می‌دهد^۱:

۱۴. الف. علی؛ می‌خواهد؛ از ایران برود. ب. *علی می‌خواهد باران بیاید^۲.

قابل ذکر است در برخی افعال متمم فعل به راحتی می‌تواند از صورت بند به شکل یکی از مقولات سطح گروه که اکثراً گروه اسمی است تغییر کند و فعل «خواستن» نیز از این امر مستثنی نیست. بنابراین مشاهده داده‌هایی که در آنها فعل «خواستن» با حفظ برخی از مفاهیم فوق متمم گروه اسمی پذیرفته دور از انتظار نیست:

۱۵. الف. مردم از دولت ثبات قیمت می‌خواهند. به جای مردم از دولت می‌خواهند قیمت‌ها ثابت شود. (خواستن در معنای تقاضا داشتن و طلب کردن)

ب. من سرافرازی وطنم را می‌خواهم. به جای من می‌خواهم وطنم سرافراز شود. (خواستن در مفهوم آرزو کردن)

ج. گاه فعل «خواستن» با صورت مصدر مرخم فعل همراه می‌شود. زبان‌شناسان همگی اتفاق نظر دارند که فعل «خواستن» به این شکل برای بیان زمان آینده به کار می‌رود:

۱۶. او خواهد رفت.

به راحتی می‌توان با استفاده از شواهد معنایی و نحوی تمایز رفتاری فعل «خواستن» به‌عنوان فعل وجهی را با «خواستن» به‌عنوان نشانه زمان درک کرد. که در زیر به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

جملاتی که دارای افعال وجهی هستند حاوی دو بخش گزاره و معنای وجهی هستند که عمل منفی سازی می‌تواند هر دو بخش را تحت تأثیر قرار دهد. این امر در مثال (۱۷) نشان داده شده است:

۱۷. علی باید این دارو را مصرف کند. (این اجبار وجود دارد که علی دارو را مصرف کند.)

حال در صورت منفی سازی معنای وجهی، جمله (۱۸ الف) را خواهیم داشت که به این معنی است که این اجبار وجود ندارد که علی دارو را مصرف کند و اگر معنای گزاره‌ای را تحت تأثیر منفی سازی قرار دهیم جمله (۱۸ ب) را خواهیم داشت که به این معنا خواهد بود که این اجبار وجود دارد که علی دارویش را مصرف نکند.

۱۸. الف. علی نباید دارویش را مصرف کند. ب. علی باید دارویش را مصرف نکند.

۱. برای اطلاعات بیشتر از پدیده ساخت افزایی مراجعه شود به متولیان (۱۳۹۴).

۲. البته گاهی اتفاق می‌افتد که خواستن در بافت خاصی در مفهوم آرزو کردن و به‌صورت فعل غیرکنترلی به کار می‌رود. مردم اصفهان دلشان می‌خواهد زاینده رود پرآب شود. آنها می‌خواهند باران بیاید و ...

همین موضوع در خصوص افعال «شدن» و «توانستن» نیز قابل مشاهده است:

۱۹. الف. علی می‌تواند به مهمانی بیاید (علی نمی‌تواند به مهمانی بیاید/ علی می‌تواند به مهمانی نیاید).
 ب. علی همیشه اینجا بنشیند. (علی همیشه اینجا بنشیند./ علی همیشه اینجا نشیند.)
- اکنون در خصوص دو جمله (۲۰) و (۲۱) که به ترتیب «خواستن» به مفهوم وجهیت و زمان آینده به کار رفته است، قابل مشاهده است که منفی‌سازی در جمله نخست می‌تواند هر دو حوزه معنای وجهی و گزاره‌ای را تحت تأثیر قرار دهد اما در دومین جمله منفی‌سازی تنها بر فعل کمکی «خواستن» اعمال می‌شود.
۲۰. الف. علی می‌خواهد برود. ب. علی نمی‌خواهد برود. ج. علی می‌خواهد نرود. د. علی خواهد رفت.
 ۲۱. الف. علی نخواهد رفت. ب. *علی خواهد نرفت.
- تمایز دیگر بین «خواستن» به عنوان فعل کمکی بیانگر زمان و «خواستن» به عنوان فعل وجهی هنگامی روشن می‌شود که مدنظر داشته باشیم هر چند تصریف شخص و شمار درب رخی از افعال وجهی محدود است، اما افعال وجهی از نظر زمانی (البته نه برای همه زمان‌ها) قابل تصریف هستند (۲۲ و ۲۳). حال آنکه «خواستن» در مفهوم آینده صرفاً برای شخص و شمار تصریف می‌گردد و نمی‌تواند تصریف زمان بگیرد (۲۴):
۲۲. الف. علی می‌توانست از این موقعیت استفاده کند. ب. علی می‌بایست از این موقعیت استفاده می‌کرد.
 ج. می‌شد او را دعوت نکرد.
۲۳. الف. می‌خواهد در این شهر بماند. ب. می‌خواست در این شهر بماند.
 ۲۴. الف. خواهم آمد. ب. *خواست آمد. ج. *می‌خواهد آمد.
- تمایز دیگری که فعل «خواستن» در دو کاربرد متفاوت فوق دارد این است که در جملاتی که حاوی افعال مرکب هستند هنگامی که با فعل کمکی «خواستن» همراه شوند، این فعل الزاماً قبل از فعل سبک قرار می‌گیرد (۲۵)؛ حال آنکه «خواستن» به عنوان فعل وجهی آزادی بیشتری در قرار گرفتن در جایگاه‌های مختلف جمله دارد (۲۶)، با این وجود همانند دیگر افعال وجهی (۲۷) قرار گرفتن آن بین دو بخش فعل مرکب به نشاننداری جمله منجر می‌گردد.
۲۵. الف. آنها او را پیدا خواهند کرد. ب. *آنها او را خواهند پیدا کرد. ج. *خواهند آنها او را پیدا کرد.
 ۲۶. الف. آنها می‌خواهند او را پیدا کنند. ب. آنها او را می‌خواهند پیدا کنند. ج. ??آنها او را پیدا می‌خواهند کنند.
۲۷. الف. ??علی از این موقعیت استفاده باید می‌کرد. ب. ??علی از این موقعیت استفاده می‌تواند بکند.
- مسئله دیگری که تمایز انواع فعل «خواستن» را نشان می‌دهد ساختار موضوعی آنهاست. واضح است «خواستن» به مفهوم زمان آینده خود فاقد ساختار موضوعی است و هر چند زمان فعل را تغییر می‌دهد تأثیری بر ساختار موضوعی آن نمی‌گذارد. در چنین جملاتی این فعل اصلی جمله است که دارای ساختار موضوعی است؛ اما «خواستن» در مفهوم تقاضا کردن، اراده کردن و تمایل داشتن خود دارای ساختار موضوعی است. «خواستن» در مفهوم تقاضا کردن دارای سه ظرفیت (گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای و بند متممی) و به مفهوم اراده کردن و قصد داشتن و تمایل داشتن دارای دو ظرفیت (گروه اسمی و بند متممی)

است. این فعل در مفهوم اول دارای کنترل فاعلی یا مفعولی و در مفهوم دوم دارای کنترل فاعلی است. حال آنکه مصدر مرخم پس از فعل کمکی «خواستن» (۲۵ الف)، بند متممی محسوب نمی‌شود که به دنبال مبحث کنترلی یا ارتقایی بودن آن باشیم.

ناگفته نماند گاهی می‌توان از زمان آینده برای بیان وجهیت و مفهوم قطعیت نیز بهره گرفت. در جمله زیر گوینده برای نشان دادن قطعیت، جمله را به زمان آینده بیان می‌کند.

۲۸. هر چند پدرش مخالف است اما او خواهد رفت.

اما این مسئله نباید باعث خلط مطلب شود؛ چرا که این کاربرد (یعنی بیان وجهیت)، تنها به زمان آینده محدود نمی‌شود و همان‌طور که در جملات (۲۹) مشهود است از زمان حال و گذشته نیز برای بیان وجهیت استفاده می‌شود. بنابراین نمی‌توان صرفاً بکارگیری زمان آینده برای بیان وجهیت را دلیلی بر وجهی بودن این فعل دانست:

۲۹. الف. نه تو این کار را نمی‌کنی. ب. خواست باشه تا رفتی، اومدی

علی‌رغم شباهت مطرح شده فعل «خواستن» در معنای وجهیت با افعال وجهی همانند «توانستن»، «بایستن» و «شدن» تمایز آنها با یکدیگر قابل چشم‌پوشی نیست. افعال وجهی «بایستن»، «شدن» (که به علت تصریف‌ناپذیری شخص و شمار خود افعال ناقص محسوب می‌شوند) و همچنین صورت بدون تصریف فعل «توانستن» به همراه مصدر مرخم یا همان صورت سوم شخص افعال اصلی برای بیان ساخت غیرشخصی به کار می‌روند (۳۰ الف، ب و ج).^۱ اما باهم آیی صورت تصریف پیش‌فرض سوم شخص مفرد «خواستن» با مصدر مرخم فعل اصلی منجر به ساخت غیرشخصی نمی‌گردد بلکه به ساخت شخصی با مفهوم آینده دلالت دارد. البته تفاوت فعل وجهی «خواستن» با افعال وجهی دیگر در این مورد به این دلیل است که وجود معادل چنین ساختی (۳۰ د) با مفهوم آینده مانع بکارگیری آن برای ساخت غیرشخصی می‌شود.

۳۰. الف. باید گذاشت و رفت. ب. می‌شود از این موارد صرف‌نظر کرد.

ج. می‌توان این شرایط را دید و ساکت ماند؟ د. خواهد رفت (مفهوم شخصی و زمان آینده) به‌طور کلی تا بدین جا می‌توان نتیجه گرفت با توجه به شباهت رفتاری فعل «خواستن» (در معنای گرایشی آن و همچنین در مفهوم لازم بودن و قرار بودن) با افعال وجهی اصلی «بایستن» و «شدن» می‌توان آن را نوعی فعلی وجهی و متفاوت از فعل کمکی «خواستن» در معنای زمان آینده دانست. همچنین براساس طبقه‌بندی صورتی افعال وجهی، افعال «بایستن»، «شدن» و «خواستن» (در مفهوم لازم بودن و قرار بودن) که فاقد تصریف شخص و شمار هستند افعال وجهی اصلی و افعال «توانستن» و «خواستن» (در مفهوم گرایشی آن) افعال وجهی فرعی را تشکیل می‌دهند.

۱. البته صورت غیرشخصی با فعل وجهی «توانستن» به ندرت در گفتار محاوره‌ای به کار می‌رود و بیشتر به سبک نوشتاری محدود می‌گردد.

۵- ملاک‌های تشخیص برای بازنمایی نحوی افعال وجهی فرعی

اینک که براساس طبقه‌بندی صوری و معنایی، افعال وجهی اصلی و فرعی را در زبان فارسی مشخص کردیم، افعال «خواستن» و «توانستن» را در دو خوانش معرفتی و بنیادی با ملاک‌های مجهول‌سازی، اصطلاح‌پاره، تصریف‌ناپذیری، نوع بند متممی و ابهام حوزه‌ای^۱ محک می‌زنیم تا در خصوص تمایز نحوی این افعال تصمیم مناسبی اتخاذ کنیم.

۵-۱- فعل وجهی «خواستن»

این فعل در معنای قصد داشتن یا تمایل داشتن، لازم بودن فعل وجهی بنیادی و در معنای قرار بودن حاصل استنباط‌گوینده و نوعی فعل وجهی معرفتی است.

۵-۱-۱- فعل «خواستن» در معنای گرایشی آن:

همان‌طور که قبلاً اشاره شد فعل «خواستن» می‌تواند مفهوم گرایشی داشته باشد و در معناهای مختلف قصد داشتن، اراده داشتن، تمایل داشتن و تقاضا داشتن به کار رود. با توجه به ملاک‌های زیر فعل «خواستن» در این مفاهیم فعلی کنترلی است:

الف. مجهول‌سازی: بند متممی این فعل در صورت مجهول شدن به بدساختی و در مواردی تغییر معنای جمله منجر می‌گردد.

۳۱. *این تابلوها می‌خواهند توسط او خریده شوند.

ب. اصطلاح‌پاره: قرار گرفتن فاعل اصطلاحی در جایگاه فاعلی این فعل باعث تغییر معنای اصطلاحی می‌شود:

۳۲. گربه می‌خواهد زبانش را بخورد.

ج. تصریف‌ناپذیری: فعل «خواستن» در این معنا علاوه بر تصریف زمان دارای تصریف شخص و شمار است.

۳۳. من می‌خواهم اینجا بمانم.

د. نوع بند متممی: فعل «خواستن» در این معنا بند متممی ایستای واقعی نمی‌پذیرد.

۳۴. *من می‌خواهم مسن‌تر شوم.

ه. ابهام حوزه‌ای: این فعل با این مفهوم تنها می‌تواند حوزه‌ای کوچکتر از فاعل روساختی داشته باشد.

۳۵. الف. این تیم می‌خواهد بیشتر تمرین کنند.

ب. تیمی وجود دارد که قصد دارد (یا اراده کرده یا تمایل دارد) بیشتر تمرین کند.

ج. *این اراده هست که تیم بیشتر تمرین کند.

۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به (متولیان، ۱۳۹۵).

۵-۱-۲- فعل «خواستن» در معنای قرار بودن:

هنگامی که فعل خواستن با تصریف پیش فرض سوم شخص مفرد به کار رود و با اسم فاقد اراده و اختیار همراه شود بر مفهوم قرار بودن دلالت خواهد داشت که در این صورت فعلی ارتقایی را تشکیل می‌دهد چرا که الف. در صورت مجهول‌سازی بند درونه تغییر معنا را موجب نمی‌شود (الف۳۶) ب. ارتقای فاعل اصطلاحی معنای اصطلاح را تغییر نمی‌دهد (ب۳۶). ج. تصریف‌ناپذیر است (ج۳۶). د. بند متممی ایستای واقعی را بر می‌گزیند (د۳۶) ه. دارای خوانشی مبهم است (۳۷).

۳۶. الف. امکانات خوبی می‌خواد براشون فراهم شه.

ب. نمی‌دونم با مهمون‌ها حرف می‌زنه یا باز هم گریه می‌خواد زبونش رو بخوره.

ج. تو این هفته این فیلما می‌خواد پخش شه.

د. می‌خواد بارون بیاره.

۳۷. الف. این نوع ماشین‌ها می‌خواد گرون شه.

ب. ماشین‌های خاصی وجود دارند که قرار است گران شوند.

ج. قرار است این نوع ماشین‌ها گران شوند.

۵-۱-۳- فعل «خواستن» در معنای لازم بودن

در مورد فعل «خواستن» در معنای «لازم بودن» هم به ترتیب موارد فوق صدق می‌کند، به این ترتیب این فعل نیز ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهد:

۳۸. الف. تو نمی‌خواد این همه امکانات برات فراهم کنی.

ب. نمی‌خواد این همه امکانات برات فراهم بشه.

ج. تو این موقعیت گریه نمی‌خواد زبونت رو بخوره.

د. اصلاً من می‌خواد / * می‌خوام اونجا باشم؟

ه. نمی‌خواد این مطالب را بدونی برو علم زندگی یاد بگیر .

۳۹. الف. نمی‌خواد بیش از این تمرین کنی.

ب. برای تو لازم نیست که بیش از این تمرین کنی.

ج. لازم نیست که تو بیش از این تمرین کنی.

۵-۲- فعل وجهی «توانستن»

فعل «توانستن» در معنای توانایی داشتن (توانایی جسمانی) یا امکانات داشتن (توانایی شرایط مدار) و اجازه داشتن و اجازه بودن نوعی فعل وجهی بنیادی و در مفهوم احتمال داشتن دارای خوانش معرفتی است. ناگفته نماند در واقع در صورتی که اسم فاقد اختیار در جایگاه فاعل رساختی قرار گیرد فعل «توانستن» می‌تواند حامل مفهوم امکان داشتن یا اجازه بودن باشد. در غیر این صورت فعل وجهی غالباً دارای مفاهیم توانایی داشتن (جسمانی و شرایط مدار) یا اجازه داشتن خواهد بود:

۴۰. الف. اون می‌تونه این مسافت را دو ساعته بره. (در معنای توانایی جسمانی)
 ب. با این شرایط اون می‌تونه موسیقی دان خوبی بشه. (در معنای توانایی شرایط مدار)
 ج. تو می‌تونی اینجا بمونی. (در مفهوم اجازه داشتن) د. صندلی‌ها می‌تونه جابجا بشه. (در معنای اجازه بودن)

ه. این نوع بی‌نظمی می‌تونه باعث اختلال در اوضاع اقتصادی بشه. (در مفهوم احتمال داشتن)
 فعل «توانستن» در دو مفهوم توانایی داشتن و اجازه داشتن تصریف‌پذیر است (۴۱ الف) و مجهول‌سازی بند متممی (۴۱ ب) و قرار گرفتن فاعل اصطلاحی در جایگاه فاعلی چنین فعلی (۴۱ ج) منجر به بدساختی و تغییر معنای جمله می‌گردد. همچنین چنین فعلی بند متممی ایستای واقعی را پس از خود اجازه نمی‌دهد (۴۱ د) و در نهایت فعل وجهی «توانستن» با مفهوم توانایی داشتن و اجازه داشتن خوانش مبهم ندارد (۴۲ الف-ج)

۴۱. الف. من می‌تونم این ماشین را بلند کنم/ با خود ببرم. (توانایی داشتن / اجازه داشتن)
 ب. ماشین می‌تواند توسط من بلند شود/ برده شود. (*توانایی داشتن / * اجازه داشتن اما امکان داشتن / اجازه بودن)

ج. در آن موقع گریه می‌تواند زبانش را بخورد (*توانایی داشتن / * اجازه داشتن اما امکان داشتن / اجازه بودن)

د. *من می‌تونم فرانسه بدونم. (در معنای توانایی دارم / اجازه دارم)
 ۴۲. الف. این مرد می‌تواند این ماشین را بلند کند / با خود ببرد.
 ب. مردی وجود دارد که توانایی آن را دارد / اجازه دارد که ماشین را بلند کند / با خود ببرد.
 ج. *این توانایی وجود دارد / این اجازه وجود داد که این مرد ماشین را بلند کند/ با خود ببرد.
 حال آنکه فعل «توانستن» در مفاهیم امکان داشتن و اجازه بودن تنها دارای تصریف پیش فرض سوم شخص مفرد است (۴۳) و همان‌طور که در مثال‌های (۴۱ ب و ج) نیز مشخص است مجهول‌سازی بند متممی و قرار گرفتن فاعل اصطلاحی در جایگاه فاعلی فعل «توانستن» با چنین مفاهیمی امکان‌پذیر است.
 ۴۳. صندلی‌ها می‌تواند / *می‌توانند جابجا شوند.
 همچنین باهمایی فعل «توانستن» در مفهوم امکان بودن و اجازه بودن با بند متممی ایستای واقعی امکان‌پذیر است.

۴۴. الف. می‌تونه تو این شرایط بارون بیاره و همه چیز خراب شه. (در معنای احتمال دارد)
 ب. حالا دیگه سقف تعمیر شده. می‌تونه برف بیاره. (در معنای مشکلی نیست یا اجازه هست).
 همچنین فعل «توانستن» با مفهوم احتمال داشتن و اجازه بودن دارای خوانشی مبهم است:

۱. البته قابل ذکر است که درباره فعل «توانستن» در مواردی وضعیت بسیار پیچیده است به طوری که گاهی مرز بین مفاهیم معرفتی و بنیادی برای این فعل مشخص نیست و می‌توان همزمان برای فعل وجهی «توانستن» خوانشی معرفتی- بنیادی در نظر گرفت. خوانش معرفتی در جملات (ب و ۲) می‌تواند ناشی از اطلاع فرد از توانایی افراد مقابل باشد.

۴۵. الف. این صندلی‌ها می‌تواند جابجا شود.

ب. صندلی‌هایی وجود دارد که اجازه هست یا احتمال دارد جابجا شود.

ج. اجازه هست یا احتمال دارد که صندلی‌ها جابجا شود.

اینک رفتار متفاوت افعال وجهی ذکر شده در این قسمت را در جدول زیر خلاصه و سپس آنها را با پنج ویژگی اصلی ساخت‌های ارتقایی محک می‌زنیم تا در مورد ارتقایی و کنترلی بودن آنها به نتیجه مناسبی برسیم.

جدول ۲: ویژگی کلی افعال وجهی در خوانش‌های مختلف آنها

ابهام حوزه‌ای	بند متممی ایستای واقعی	تصریف ناپذیری	اصطلاح پاره	مجهول ناپذیری	فعل وجهی
-	-	-	-	-	خواستن (بنیادی): قصد داشتن
+	+	+	+	+	خواستن (بنیادی): لازم بودن
+	+	+	+	+	خواستن (معرفتی): قرار بودن
-	-	-	-	-	توانستن (بنیادی): توانایی داشتن
-	-	-	-	-	توانستن (بنیادی): اجازه داشتن
+	+	+	+	+	توانستن (بنیادی): اجازه بودن
+	+	+	+	+	توانستن (معرفتی): احتمال بودن

طبق جدول فوق فعل «خواستن» که دارای دو خوانش بنیادی و معرفتی است، در مفهوم قصد و تمایل داشتن کنترلی و در مفهوم لازم بودن و قرار بودن ارتقایی است. فعل «توانستن» هنگامی که در خوانش معرفتی به کار می‌رود ارتقایی است اما در خوانش بنیادی در مفهوم توانایی داشتن و اجازه داشتن کنترلی و در معنای اجازه بودن ارتقایی است. بنابراین برخلاف فرضیه اول تمایز کنترلی یا ارتقایی بودن این افعال را نمی‌توان ناشی از خوانش معرفتی و غیرمعرفتی آنها دانست. همچنین برخلاف فرضیه سوم نمی‌توان همگی افعال وجهی را در دسته ساخت‌های ارتقایی قرار داد.

در مورد فرضیه دوم همان‌طور که قبلاً اشاره شد به نظر برخی زبان‌شناسان مشارک درونی و مشارک برونی بودن فعل وجهی نقش بسزایی در کنترلی یا ارتقایی بودن فعل دارد چرا که در افعال کنترلی، مشارک درونی به‌عنوان عامل مهم برای رویداد کنش تصور می‌شود حال آنکه در ساخت ارتقایی این مشارک برونی است که انگیزه ایجاد عمل توسط عامل می‌شود؛ به نظر این زبان‌شناسان افعال بنیادی پویا که همگی

الف: به نظر می‌رسد این تیم برنده بشه / برنده شده باشه.

ب: نه تیم مقابل هم قویه اون تیم هم می‌تونه برنده بشه / برنده شده باشه.

۲- با این همه امکانات حسن می‌تونه در مسابقه اول بشه.

[+درونی] هستند ساخت کنترلی و افعال معرفتی که [-درونی] هستند ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهند. در این میان افعال بنیادی تکلیفی که می‌توانند دارای هر دو خوانش [+درونی] و [-درونی] باشند وضعیت مبهم دارند و می‌توانند دارای هر دو ساخت کنترلی و ارتقایی باشند. قبلاً (در مقاله متولیان، ۱۳۹۵) نشان داده شد برخلاف این ادعا در زبان فارسی فعل وجهی تکلیفی «بایستن» چه مشارک درونی باشد و چه مشارک برونی به علت گزاره‌ای بودن ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهد:

۴۶. علی تا ظهر باید دارویش را خورده باشد (استنباط فرد گوینده: خوانش معرفتی)

الف. خطاب به پرستار: پرستار باید به او دارویش را بدهد: (خوانش بنیادی - تکلیفی غیرمستقیم)

ب. خود علی باید دارویش را بخورد (خوانش بنیادی - تکلیفی مستقیم)

۴۷. من باید تکالیفم را انجام دهم (خوانش بنیادی پویا).

در مورد فعل «خواستن» و «توانستن» نیز همان‌طور که مثال (۴۸) نشان می‌دهد برخلاف ادعای مطرح شده فعل «خواستن» که در مفهوم لازم بودن نوعی فعل وجهی بنیادست علی‌رغم مشارک درونی بودن به علت گزاره‌ای بودن ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهد. همچنین در مثال (۴۹) با فعل وجهی بنیادی مواجهیم که مشارک برونی و ارتقایی است.

۴۸. الف. تو نمی‌خواهد آنجا بروی.

۴۹. این صندلی‌ها می‌تواند جابجا شود.

بنابراین به‌نظر می‌رسد برخلاف نظر اکثر زبان‌شناسان که سعی دارند با توسل به مفهوم معنایی عامل درونی و عامل برونی تمایز ساخت ارتقایی و کنترلی را تبیین کنند این مفهوم گزاره‌ای و غیرگزاره‌ای بودن است که بیانگر تمایز این دو ساخت است. به‌طوری‌که اگر افعال وجهی «توانستن» و «خواستن» گزاره‌ای باشند در هر دو خوانش معرفتی و غیرمعرفتی خود چه مشارک درونی باشند و چه مشارک برونی ساخت ارتقایی را تشکیل می‌دهند.

در نهایت با توجه به تمایز دو نوع ساخت کنترلی و ارتقایی که در زبان فارسی با توسل به ابزار صوری یعنی تصریف پیش‌فرض فعل ارتقایی نیز میسر است، می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف طرح کلی معنایی وجهیت و هندسه وجهیت (ون در اورا و پلونگین، ۱۹۹۸؛ چپر و زووارتس، ۲۰۰۹) مبنی بر معرفتی بودن افعال وجهی گزاره‌ای و ارتقایی بودن مشارک‌برونی‌ها، در زبان فارسی با افعال وجهی غیرمعرفتی گزاره‌ای و مشارک درونی‌های ارتقایی نیز مواجهیم.

۶- نتیجه‌گیری

به‌طور کلی در مقاله حاضر نشان داده شد به علت رفتار نحوی متفاوتی که فعل «خواستن» (در مفهوم آینده آن) با افعال وجهی دارد (از جمله قرارگرفتن مصدر مرخم پس از آن، عدم تصریف زمانی این فعل، عدم منفی‌سازی فعل اصلی پس از آن، عدم قرارگیری سازه‌های مختلف از جمله سازه غیرفعلی بین فعل معین و فعل اصلی پس از آن) باید آن را فعل معین (کمکی غیروجهی) در نظر گرفت. اما با توجه به شباهت رفتاری

فعل «توانستن» و «خواستن» (در معنای گزایشی آن و همچنین در مفهوم لازم بودن و قرار بودن) با افعال وجهی اصلی «بایستن» و «شدن» می‌توان آنها را نوعی فعلی وجهی محسوب کرد. در نهایت با توجه به تمایز دو نوع ساخت کنترلی و ارتقایی که در زبان فارسی با توسل به ابزار صوری یعنی تصریف پیش‌فرض فعل ارتقایی نیز میسر است، به این نتیجه رسیدیم که بر خلاف ادعاهای قبلی، در زبان فارسی با افعال وجهی غیرمعرفتی گزاره‌ای و مشارک درونی‌های ارتقایی نیز مواجهیم. بنابراین تقسیم‌بندی افعال وجهی به کنترلی و ارتقایی بیش از آنکه ناشی از معرفتی یا غیرمعرفتی و عامل درونی یا برونی بودن آنها باشد از گزاره‌ای و غیرگزاره‌ای بودن آنها نشأت گرفته است. به طوری که افعال وجهی چه دارای خوانش معرفتی باشند چه دارای خوانش غیرمعرفتی و چه مشارک درونی باشند چه مشارک برونی اگر گزاره‌ای باشند دارای خوانش ارتقایی و اگر غیرگزاره‌ای باشند دارای خوانش کنترلی هستند.

منابع

- اخلاقی، فریار (۱۳۸۶)، «بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی امروز»، مجله دستور، ش ۳: ۸۲-۱۳۲.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۵۴)، مسائل زبان‌شناسی نوین (ده مقاله)، تهران: آگاه.
- رحیمیان، جلال و محمد عموزاده (۱۳۹۲)، «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت»، پژوهش‌های زبانی، د ۴: ۱: ۲۱-۴۰.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۸۵)، ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز، تهران: نشر مرکز.
- عموزاده، محمد و حدائق رضایی (۱۳۸۹)، «ابعاد معناشناختی «باید» در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانی، ش ۱: ۵۷-۷۸.
- عموزاده، محمد و شادی شاه‌ناصری (۱۳۹۰)، «بررسی پیامدهای ترجمه از انگلیسی بر مقوله وجهیت در فارسی»، پژوهش‌های زبانی، د ۱، ش ۲: ۲۱-۵۰.
- غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۷۴)، ساخت زبان فارسی، تهران: احیاء کتاب.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و نگین ایلخانی‌پور (۱۳۹۱)، «نظام وجهیت در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانی، د ۳، ش ۱: ۷۷-۹۸.
- متولیان، رضوان (۱۳۹۴)، «توزیع ضمیر مستتر در ساخت کنترلی اجباری»، جستارهای زبانی، د ۶، ش ۱: ۲۵۳-۲۸۰.
- متولیان، رضوان (۱۳۹۵)، «بازنمایی نحوی افعال وجهی «بایستن» و «شدن» در زبان فارسی»، جستارهای زبانی، د ۷، ش ۷: ۱۲۵-۱۵۰.
- مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- Barbiers, S. (2006), The syntax of modal auxiliaries, in M. Everaert and H. van Riemsdijk (eds.), The Blackwell Companion to Syntax, Vol. 5: 1-22. Oxford: Blackwell Publishing.

- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., and Finegan, E. (1999), *Longman grammar of spoken and written English*. London: Longman.
- Bybee, J., Fleischman, S., (1995), *Modality in grammar and discourse: An introductory essay*. In J. Bybee, S. Fleischman (eds.), *Modality in Grammar and Discourse* (1-14). Amsterdam: Benjamins.
- Darzi, A. (1993), *Raising in Persian*. In *Proceedings of the Eastern States Conference* (pp. 81-92). Columbus, Ohio: Ohio State University.
- Darzi, A. (1996), *Word order, NP-Movement and Opacity Conditions in Persian*. PhD Dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Depraetere, Ilse & Susan Reed (2006), "Mood and Modality in English". In: Bas Aarts & April Mc Mahon. *The Handbook of English Linguistics*. Malden, MA et al.: Blackwell, 269-290.
- Halliday, M., (1970), *Functional diversity in language as seen from a consideration of modality and mood in English*. *Foundations of Language* 6, 322-361.
- Huddleston, R. (1974), "Further remarks on the analysis of auxiliaries as main verbs" in *Foundations of U m u.agg.* 11, 215-229.
- Huddleston, R., Pullum, G. K., et al. (eds). (2002), *Cambridge grammar of the English language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jackendoff, R. (1972), *Semantic interpretation in Generative Grammar*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Palmer, F., (1986), *Mood and Modality*. Cambridge University Press, Cambridge.
- Quirk, R., Greenbaum, S., Leech, G., and Svartvik, J. (1985), *A comprehensive grammar of the English language*. London: Longman.
- Ross, J. (1969), *Auxiliaries as main verbs*. In W.Todd, (ed.) *Studies in Philosophical Linguistics, Series I. Great Expectations Press, Evanston, IL*.
- Schepper, Kees de Joost Zwarts. (2009), *Modal geometry: remarks on the structure of a modal map* In Hogeweg, Lotte, Helen de Hoop and Andrej Malchukov (eds.), *Cross-linguistic Semantics of Tense, Aspect, and Modality*. 2009 vii, 406: 245-270.
- Tavangar, M. and M. Amouzadeh (2009), *Subjective modality and tense in Persian*. *Language Sciences*. 31, 853-873.
- Taleghani, A.H. (2008), *Modality, aspect and negation in Persian*. Amsterdam: John Benjamins B.V.
- Vahedi Langrudi, M. (2002), *A Syntactic Analysis and Grammaticization of Simple Future with XAST-AN in Persian*. *The International Journal of Humanities*. Volume 9, No. 2, Page 21-36.
- Van der Auwera, J. and Plungian, V. A. (1998), *Modality's semantic map*. *Linguistic Typology* 2, 79-124.
- Wurmbrand, Susi (1999), *Modal verbs must be raising verbs*. In S. Bird, A. Carnie, J. D. Haugen and P. Nordquest (eds.), *Proceedings of the 18th West Coast Conference on Formal Linguistics (WCCFL18)*: 599-612.
- Wurmbrand, Susi. (2001), *Infinitives. Restructuring and Clause Structure*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Wurmbrand, S. and J. Bobaljik (1999), "Modals, Raising and A-reconstruction". Handout of a talk given at Leiden University (October 1999) and at the University of Salzburg (December 1999).